

نویسنده: فنلن کونیگهم (Finlan Cunnigham).

منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2018-08-27».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

## چرا امپریالیزم ایالات متحده امریکا عاشق

### با تلاق افغانستان است؟

why US imperialism loves Afghan Quagmir



ممکن است چنین به نظر برسد که هر گونه علاقه و دلچسپی امریکایی ها بطور عمدی به دنبال هر چه طولانی تر شدن مرداب و ماندن در این مرداب «باتلاق» باشد- وجوه مالی و یا مصارفات ادامه این جنگ به تریلیون ها دلار از پول وام های مردم امریکا چنین تفسیر میشود که برنامه ریزان «پلانگذازان» امریکایی در تلاش هستند تا جنگ را متوقف کنند و زیان ها و یا مصارفات عظیم خود را کاهش دهند درحالی که اینطور نیست و یا چنین به نظر نمیرسد.

مانند داستان فلم کلاسیک سال (1960) هجونامه (طعنه) *داکتر سترنی لوب (Dr.Strangelove)* از اینکه من چطور و چگونه (بمب را دوست دارم) - همانند و همسان او عناصر کنونی در دستگاه امنیتی ارتش ایالات متحده امریکا حضور دارند

ویا هستند که به نظر میرسد فقط در مورد اینکه ضرب و شتم را در افغانستان جشن بگیرند و یا که جشن عروسی ضرب و شتم را برپا کنند.

این جنگ بگونه رسمی جنگ طولانی مدت و جنگ با نیروهای امریکایی در خارج از امریکا است، جنگ ویتنام شش سال (1964-1975) دوام کرد ولی این جنگ تا هنوز دوام دارد یعنی بعد از آنکه جورج دبلیو بوش این عملیات را در ماه اکتوبر سال (2001) راه اندازی کرد تا حال از این جنگ مدت (17) سال میشود که سپری شده است و اکنون این جنگ بعد از جورج دبلیو بوش در تحت نظر سومین رئیس جمهور امریکا است که دوام دارد و تا هنوز معلوم نیست که این جنگ برای چند سال دیگر دوام خواهد کرد و یا پایان خواهد یافت بویژه بعد از آنکه دونالد ترامپ بحیث رئیس جمهور ایالات متحده سال گذشته کنترول پنتاگون را بعهده گرفت. ما در این هفته دوتحول را دیدیم که نشان میدهد عناصراً در دولت ایالات متحده محاسبات بسیار متفاوتی در مورد جنگ افغانستان در مقایسه با اکثر شهروندان معمول و یا عادی امریکا دارند.

اولاً واشنگتن از اشتراک خود در کنفرانس که قرار است توسط روسیه با یک نشست برای آوردن صلح در افغانستان در مسکو برگزار شود رد کرد یعنی که از عدم اشتراک خود مسکو را در آگهی فرار داد - هدف از برگزاری این کنفرانس در مسکو این است که کنفرانس میخواست تا محمد اشرف (غنی) رئیس جمهور افغانستان و ستیزه جویان طالبان را که علیه اشغال نظامی امریکا در افغانستان مبارزه میکنند رودر رو در عقب میز مذاکره بنشانند.

واشنگتن و اداره رژیم دست نشانده امریکایی در کابل از اشتراکشان در این کنفرانس که قرار است به ایتکار روسیه در مسکو منعقد گردد اباورزیدند یعنی که از عدم اشتراک خود خبر دادند و چنین گفتند که همچو گفتگوها بی ثمر و بی فایده میباشند، امتناع امریکا از حضور اش در کنفرانس مسکو در ظاهر امریک و اکنش جدی توام با عصبانیت در مقابل اظهارات اخیر وزیر امور خارجه روسیه بوده آنچه که او گفته بود « عدم حضور امریکا در این نشست بغرض راه یابی برای تا مین صلح در افغانستان اصلاً طرف علاقه واشنگتن نیست و هرگز نخواهد بود ».

ولی یک سوطن دیگر اینکه بی میلی و عدم اشتراک ایالات متحده در این کنفرانس تا حدودی ناشی از عدم تمایل به مسکو بجای هرگونه جاگزینی بین المللی از زمان مداخله نظامی موفقیت آمیز روسیه در سوریه و نقش اصلی آن در میانجیگری برای صلح در این کشور است.

همچنین طوری به نظر می آید که هفته گذشته اداره اشرف «غنی» رئیس جمهور در تحت حمایت ایالات متحده به مناسبت حلول عید فطر و حسب امر واشنگتن در جنگ

با طالبان آتش بس مشروط را اعلام کرد، پس در صورتیکه اگر رئیس جمهور «غنی» بتواند با طالبان به آتش بس موافقه آنها را دریا بد پس چه چیزی در مورد نشستن با آنها در مسکو مورد اعتراض و یا مورد ایراد خواهد بود؟

وزارت خارجه روسیه در این هفته اعلام کرد که انبار مواد مخدره در مقیاس بزرگ آن توسط گروه های شورشی و ستیزه جو به مرز های شمال افغانستان رسیده است و افزون بر آن وزارت خارجه روسیه اذعان کرد که سلاح ها هنگفتی توسط هلیکوپتر های ناشناس از هوا در این مناطق مرزی رها شده است و حسب ادعای وزارت خارجه روسیه چنین است که این هلیکوپترها با خلبانان از نیروهای هوایی امریکا و افغانستان به پرواز می آیند پس همچنان پیلوتان امریکایی و افغانی اند که انبار سلاح ها را در این مناطق از هوا رها میکنند از همچو تذکرات چنی نتیجه گرفته میشود که پنتاگون و سازمان سیاه ممکن است در مقابله با شورشیان بخاطر شکست آنها در تلاش باشند ولی بهر صورت همراه با آنها است یاکه آنها را همراهی میکنند البته که این بار اول نیست که وزارت خارجه روسیه به ارتباط رها کردن سلاح های هنگفت توسط هلیکوپترهای ناشناس در بدگمانی با نیروهای امریکایی شکایت میکند بلکه بارها بارها همچو شکایات نموده است .

فتنه انگیزی و حيله گری مشابه در مورد ارتش امریکا با گروه های تروریستی در سوریه نیز تا بید شده است .

همچنین مصاحبه ای که در پایان سال گذشته توسط حامد «کرزی» رئیس جمهور پیشین افغانستان صورت گرفت اوصریحاً گفت : که فرماندهان نظامی ایالات متحده امریکا مسول کشت و زرع و ایجاد شبکه های تروریستی و دولت اسلامی ( دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه داعش ) بوده اند و چنین به نظر میرسد که این گروه ها از گروه های طالبان جدا هستند .

از سوی دیگر بطرز وحشیانه و یا حیرت انگیز در این اواخر فرماندهان نظامی امریکا روسیه را متهم به تهیه سلاح به جنگجویان طالبان کرده اند ، در حالیکه مسکو و طالبان هر دو بطور جداگانه این اتهام فرماندهان امریکا را رد کرده اند .

از چنین ادعا های و اشنگتن معلوم میشود که از سوی پنتاگون در افغانستان توام با تلاش های پیگر به جمع گروه های شبه نظامی غیر قانونی پرداخته میشود .

در اینجا سوالات چندی در مورد موقف ایالات متحده امریکا بوجود می آید از جمله چرا نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا میخواهند که به ستیزه جویان کمک کند و یا از آنها حمایت نماید ؟ که این خود موجب فشار بالایی مالیه دهندگان امریکا میشود ؟ و یا چرا و اشنگتن از فرصتی که میسر شده است در کنفرانس برنامه ریزی شده بتاريخ (4) ماه سپتمبر در مسکو اشتراک نمیکند ، کنفرانسی که هدف آن دستیابی به حل و فصل

جنگ افغانستان و تا مین صلح و ثبات در آن کشور است ؟

بطور خلاصه چه منافع ایالات متحده در به درازا کشیدن و مطول ساختن این جنگ وحشتناک نامعلوم وجود دارد ؟

در حالیکه اشغال افغانستان توسط نیروهای مهاجم و اشغالگر ایالات متحده یک وزنه کم و یا یک وزنه کسری برای اقتصاد ملی امریکا و شهروندان ما لیه د هند گان آن کشور است یعنی افزون شدن (5) تریلیون دلار اضافی بر (21) تریلیون دلار بدیهی امریکا ما باید بخاطر داشته باشیم که جنگ برای تولید کنندگان سلاح دارای یک مزیت خاص اقتصادی و سودآوری دارد که موجب خوشی و مسرت آنها میشود بویژه برای مجتمع صنعتی نظامی امریکا که فعالیت های آن مجتمع توام با دریافت سود هنگفت است . شرکتهای سلاح سازی همچو مانند **لاکهد** (Lockheed) و **ریتین** (Raytheon) که از جمله بزرگترین لابیگران کنگره هستند با استفاده از منطق سرد ، بجا و منطقی نخواهد بود و یا بگونه منطقی هرگز نمیخواهند که این جنگ در افغانستان متوقف شود یعنی که باید تا وقت نامعلوم دوام کند . چونکه منافع شرکت های شان کاملاً متفاوت از شهروندان معمولی و سربازان پیاده نظام امریکا است .

بنا بر این جای تعجب در اینجا است ، ملتی که در حدود (21) تریلیون دلار مقروض و یا بدیهه را میباشند ولی مدیران و سها مداران شرکت های تسلیحاتی از مزایایی وافر و سرشار دریافت سود برخوردار و ثروت اندوزی میکنند .

همچنین اکنون بخوبی مستند شده است که سازمان سیاه (سی آی ای) در برابر بی قانون در افغانستان برای جار و جنجال (Rackets) مواد مخدره تریلیون دلاری خود وابسته است ، هما نظوریکه در مثلث بد نام طلای در آسیای جنوب شرقی در طول جنگ ویتنام سازمان سیاه از قاچاق مواد مخدر در سطح جهانی بعنوان راه و یا وسیله ای برای تامین وجوه مالی ( عملیات های مخفی ) خود در دیگر نقاط جهان استفاده میکند که از نظارت سیاسی توسط قانندگان کنگره پنهان مانده است .

سومین انگیزه برای برنامه ریزان امپریالیستی امریکا حفظ و نگهداری افغانستان در نارامی ها این است که اجازه میدهد تا ایالات متحده برای بسیج کردن و تسلیحات ارتش های پروکسی ( نیابتی ) بخاطر مبارزه با روسیه و ایران دست بکار شود . چونکه افغانستان در غرب با ایران و با روسیه توسط دماغه با ریک جناح در جنوب روسیه قرار دارد که برای ایالات متحده داشتن پایگاه از ستیزه جویان که بتوانند در ایران و در روسیه نفوذ کنند و در آن کشورها نارامی و بی ثباتی را بوجود آورند دارای ارزش فوق العاده استراتژیک است و نه یک ضرر استراتژیک بخصوص در حال حاضر با توجه به این واقعیت که ایران و روسیه موفق شدند که در سوریه پایگاه های جهانی ها را که در حمایت از منافع امریکا سر می جنبانند آن پایگاه ها را از بین ببرند .

از سوی دیگر روسیه در واقع قبلاً به صراحت ابراز نگرانی کرده است که منافع ملی اش از طرف افغانستان بمتابه یک کشور غیر قانونی مواجه به تهدید است . بنا بر این ، بلی ، با توجه به برنامه ریزی عادی ، افغانستان بعنوان یک فاجعه برای شهروندان امریکایی و برای میلیون ها افغانی که دوستان ، خانه ها ، کسب و کار و معشیت های خود را از دست دادند مصیبت و فاجعه است . کاروباری را که با درآمد از آن به فقر و تنگدستی خود کاهش میدادند . اما در یک برداشت غم انگیز ، منافع وافر و فوق العاده امریکایی ها وجود دارد که رنج و مصیبت افغانستان را بعنوان یک سرمایه گذاری سودآور و استراتژیک مشاهده میکنند که با دید این مصیبت و رنج افغان ها ادامه داشته با شد و یا که متوقف نگردد .

افغانستان ممکن است یک با تلاق غم انگیز و مملو از رنج باشد اما این یک با تلاق است که در عین حال مزایای بسیار زیادی را برای انتخاب چند نظارت بر منافع امپریالیستی امریکا ایجاد میکند و این خود باعث میشود که تراژدی کشور هرچه تند تر شود ، بگونه شگفت انگیز ، انگیزه های مهمی این است که جنگ نباید متوقف گردد بلکه آنرا با دید ادامه داد .

### **چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :**

**فینی کا نینگهام** به طور گسترده در امور بین الملل نوشته است ، با مقالاتی که در چندین زبان منتشر شده است . او فارغ التحصیل استاد در شیمی کشاورزی است و قبل از پیگیری فعالیت در روزنامه نگاری روزنامه به عنوان سردبیر علمی انجمن سلطنتی شیمی در کمبریج انگلیس کار کرده است . او همچنین یک موسیقیدان و ترانه سر است . برای حدود 20 سال ، او به عنوان سردبیر و نویسنده در سازمان های رسانه ای مهم ، از جمله *The Mirror* ، ایرلند تایمز و مستقل کار می کرد .

----- **با تقدیم سلام ها « 2018-08-30 » .**